



## یادداشت

گفتگو با که و برای چه؟

صادق کار



رژیم می خواهد به بهانه گفتگو در میان مخالفان تفرقه ایجاد کند و فرصت برای سرکوب جنبش انقلابی بخرد. رژیم نه جایی برای گفتگو باقی گذاشته و نه کسی به قول و قرار هایش می تواند اعتماد کند و نه قابلیت اصلاح دارد مذاکره با رژیم بر سر نحوه واگذاری مسالمت آمیز قدرت تنها موردی است که مفید است و مقبولیت همگانی دارد. رسیدن به چنان شرایطی البته بستگی به پیشروی جنبش انقلابی و تغییر و تحولات پیش روی دارد

غلام حسین اژه‌ای رئیس جنایتکار دستگاه بیدادگر قضایی، هم او که در آغاز جنبش انقلابی مرتب فرمان بگیر و بد و بکش به زیر دستان خود می داد بعد از مدتی که فهمید نخیر این بار قضایا نسبت به گذشته فرق زیادی کرده و ابعاد جنبش گسترده تر و متنوع تر از جنبش های قبلی است که سرکوبشان کردند و سرکوب آن به شکل گذشته میسر نیست، با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای عابد و مسلمان شد و برای نخستین بار ظاهراً زبان تهدید را کنار گذاشت و پذیرفت گفتگو کند

او حتی گفت آماده است انتقادات را بپذیرد و خطاها و اشتباهات رژیم را اصلاح کند. روز گذشته اژه‌ای دوباره حرفهای "آشتی جویانه" اش را تکرار کرد و حرفهایی زد که با سوابق و رفتار و اعمال گذشته و کنونی وی سازگاری ندارد

دعوت اژه‌ای به گفتگو که بدرستی معلوم نیست می خواهد با چه کسی و برای چه مقصودی گفتگو کند، در حالی مطرح می شود، که بر شدت سرکوبها افزوده شده و نیروهای سرکوبگر رژیم کارشان به زندانی کردن و کشتن کودکان و دانش آموزان رسیده است. با این وصف یا اژه‌ای در حاکمیت موقعیت اش را از دست داده است که کسی برای حرفهایش تره خورد نمی کند و یا دارد فریبکاری می کند که احتمال دومی



بیشتر است. چرا که مشاهده میشود خامنه‌ای و سرداران سپاه و رئیس‌جمهورشان همگی مشغول تهدید و خط و نشان کشیدن برای مبارزین هستند و اثری از کوتاه آمدن در حرفهای آنها دیده نمی‌شود.

تنها جریانی که تا کنون به پیشنهاد گفتگوی اژه‌ای چسبیده‌اند و از اژه‌ای می‌خواهند اگر جدی است بنشینند با آنها گفتگو کند، تعدادی از چهره‌های اصلاح طلب هستند که خودشان نیز نگران سقوط رژیم هستند و پیش از دعوت رئیس‌بد سابقه دستگاه قضایی خودشان از حکومت می‌خواستند با مخالفین گفتگو کند!

در همان روزی که اژه‌ای دعوت به گفتگو کرد، تاج زاده را در یکی از بیدادگاه‌های قوه قضایی به ۱۲ سال زندان محکوم کردند و چند روز بعد دختر منتقد هاشمی رفسنجانی را به زندان انداختند. مخاطب پیشنهاد گفتگو اگر جدی باشد کس دیگری به غیر از طیف معینی از اصلاح طلبان و محافظه کاران به اصطلاح میانه رو و دار و دسته روحانی نباید باشند. هدف از گفتگو اگر هم آنطور که اژه‌ای ادعا کرده اصلاح سیاستهای جناح حاکم باشد دستکم بایستی باز کردن راه بازگشت این طیف‌ها به حاکمیت و دادن سهمی از قدرت به آنان باشد و گر نه بی‌مایه فطیر است و آنها نخواهند پذیرفت.

اما اینکه جریان حاکم بخواهد سهمی از قدرت را که با زور و قلدری و تبهکاری از دارو دسته روحانی و اصلاح طلبان گرفته به آنها برگرداند دور از تصور می‌نماید. مگر اینکه جنبش انقلابی وضعیتی را بوجود بیاورد که آنان را مجبور به تقسیم مجدد قدرت برای حفظ نظام بنماید. فعلا تمرکز روی بازگرداندن چهرههایی امثال لاریجانی است.

حداقل در شرایط حاضر رژیم قصد گفتگو با کسانی که خواهان برکنار کردن آنان از قدرت هستند را ندارد. سازش با اصلاح طلبان داخل حکومت اگر هم اتفاق بیفتد نمی‌تواند جنبش انقلابی را متوقف و از مسیر خود منحرف کند. رژیم می‌خواهد به بهانه گفتگو در میان مخالفان تفرقه ایجاد کند و فرصت برای سرکوب جنبش انقلابی بخرد. رژیم نه جایی برای گفتگو باقی گذاشته و نه کسی به قول و قرار هایش می‌تواند اعتماد کند و نه قابلیت اصلاح دارد مذاکره با رژیم بر سر نحوه واگذاری مسالمت آمیز قدرت تنها موردی است که مفید است و مقبولیت همگانی دارد. رسیدن به چنان شرایطی البته بستگی به پیشروی جنبش انقلابی و تغییر و تحولات پیش روی دارد.

**همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!**

**از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!**

**در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!**

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش پانزدهم

تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهایی"  
هیو استورجس



ایجاد 1/5 میلیون شغل در چارچوب "تضمین اشتغال روستایی" توسط  
دولت ایالت اوتارپرادش در هند، در بحبوحه پاندمی کووید-19

ویژگیهای نظم دهنده دستمزد "تضمین اشتغال" منطقیاً به لایه های پایینی بازار کار محدود می شود. بیشترین تهدید کارگران با مهارت های پایین یا عمومی درست به علت عرضه بیشتر نیروی کار آماده به کار است. کارگرانی که مهارت های تخصصی بیشتری دارند، یا نیروی کار سازمان یافته تر، طبیعتاً تمایلی برای پرکردن جای کارگران با دستمزد و مهارت پائین ندارند. این کارگران به دلیل حضور در یک برنامه تضمین اشتغال از اعمال فشار برای افزایش دستمزد دلسرد نخواهند شد.

### اثرات "تضمین اشتغال" بر اقتصاد کلان. 3 تضمین اشتغال و مسئله ثبات قیمتها - ادامه

میتچل تأیید می کند به محض آن که تمام "بخش تضمین اشتغال" تخلیه شود (یعنی تمام بیکاران به کار گماده شوند)، تورم می تواند افزایش یابد، اما می افزاید که با افزایش اختلاف دستمزد در بخش تضمین اشتغال، که دستمزد ثابتی است، و بخش عادی، که در بازار کار تعیین می شود و متغیر است و فزون بر دستمزد ثابت بخش نخست، توانایی دولت برای مهار شدید تورم دستمزدها افزایش می یابد. با افزایش دستمزد در بخش عادل کارگران بخش تضمین اشتغال متحمل کاهش بیشتری در درآمد خواهد شد (قدرت خرید این بخش کاهش خواهد یافت). در این شرایط، دولت می تواند به شیوه معمول از سیاست های مالی و پولی انقباضی برای مهار تقاضا در بخش عادی بهره گیرد، اما به جای ایجاد بیکاری، کارگران را به بخش



تضمین اشتغال منتقل کند، جایی که دستمزد ثابت در خدمت پایان دادن به دوره تورمی است. بنابراین "تضمین اشتغال" اجازه می دهد تا در بازار کار نوعی "رکود" ایجاد شود تا تورم دستمزد را مهار کند، بی آن که موجب بیکاری گردد. حال در دوره های کاهش تورم هر دو مکانیسم برعکس در راستای ممانعت از کاهش دستمزد و قیمت یا تعدیل کاهش آنها عمل خواهند کرد، زیرا دستمزد "تضمین اشتغال" یک کف را تعیین می کند، به نحوی که برخلاف سیستم فعلی، کاهش اشتغال در بخش خصوصی منجر به افزایش بیکاری نخواهد شد.

### ایجاد 5/1 میلیون شغل در چارچوب "تضمین اشتغال روستائی" توسط دولت ایالت اوتارپرداش در هند، در بحبوحه پاندمی کووید-19

ویژگیهای نظم دهنده دستمزد "تضمین اشتغال" منطقاً به لایه های پایینی بازار کار محدود می شود. بیشترین تهدید کارگران با مهارت های پایین یا عمومی درست به علت عرضه بیشتر نیروی کار آماده به کار است. کارگرانی که مهارت های تخصصی بیشتری دارند، یا نیروی کار سازمان یافته تر، طبقاً تمایلی برای پرکردن جای کارگران با دستمزد و مهارت پائین ندارند. این کارگران به دلیل حضور در یک برنامه تضمین اشتغال از اعمال فشار برای افزایش دستمزد دلسرد نخواهند شد. از این رو "تضمین اشتغال" هیچ نقشی در مهار تورم دستمزد در آن بخشهایی از اقتصاد که در آنها "اشتغال کامل" وجود دارد، یعنی بخشهایی که با کمبود نیروی کار ماهر روبرویند، نخواهد داشت. بلکه در این موارد برای محدود کردن تقاضا احتمالاً به سیاستها و ابزارهای سنتی تر دیگری - همچون کاهش هزینه های دولت، افزایش مالیات و/یا نرخ بهره - نیاز خواهد شد. میچل استدلال می کند که کارگران با مهارت و دستمزد بالاتر از سوئی توسط کارگران "تضمین اشتغال" تهدید نمی شوند، و از سوی دیگر آنها "تضمین اشتغال" را محافظی در برابر از دست دادن شغل فعلی خود نمی بینند. در واقع آنان به "تضمین اشتغال" به نوعی به دیده یک گزینه "احتمالاً کم آبرو" خواهند نگریست. این بدان معناست که کارفرمایان زمانی که دستمزدها زیر سطح معینی باشند، کارگران "تضمین اشتغال" را قابل تعویض با کارگران کنونی شان می دانند، در حالی که این کارگران وقتی دستمزدها از سطح معینی بالاتر اند، برای کار در یک برنامه تضمین اشتغال ارزش بیشتری نسبت به بیکاری قائل نیستند. اگر نرخ دستمزد متوسطی وجود داشته باشد که در آن کارگران، "تضمین اشتغال" را بديل مناسب یا بديل قابل تحملی برای شغل فعلی خود بدانند، اما کارفرمایان آن را (تضمین اشتغال را) معادل بیکاری بدانند، آن گاه "تضمین اشتغال" اقدام به افزایش دستمزدها خواهد کرد.

طرفداران "تضمین اشتغال" وقتی صحبت از تأثیر این برنامه بر بازار کار گسترده تر می شود، استدلالهای نسبتاً متناقضی را مطرح می کنند. گفته می شود که با این برنامه با مهار مطالبات دستمزدی، نیروی تثبیت کننده ای در بازار کار است، اما در عین حال گاه در چارچوب سیاستهای آرمانشهری به عنوان راهی برای حذف "مشاغل بد" به نفع "مشاغل خوب" توصیف می شود.

واکنش بازار به برنامه "تضمین اشتغال"، افزایشی یکباره در دستمزدها و شرایط کار در لایه های پایینی بازار کار خواهد بود، به طوری که حتی پایین ترین مشاغل در بخش عادی نیز امتیاز ملموسی نسبت به مشاغل "تضمین اشتغال" داشته باشند تا موجب ارجحیت اولی به دومی گردد. شرایط کار در "تضمین اشتغال" به حداقل حقوق جهانی همه کارگران تبدیل می شود، زیرا کارگران شغل بدیلی را که حاوی مجموعه مزایای کم ارزشتری باشد، نخواند پذیرفت. حامیان "تضمین اشتغال" بر این نظراند که تأثیرات این امر آن قدر قوی خواهد بود که دیگر حمایتهای قانونی از کار، مانند حداقل دستمزد، زائد خواهند شد. گوردون این را شرایطی تعریف می کند که در آن "کارگران از تحمل رؤسای منفور" آزاد خواهند شد.

با این حال، این ادعا با تأثیر ضدتورمی آن همخوانی ندارد. به نظر طرفداران "تضمین اشتغال"، این برنامه موجب فشار برای افزایش دستمزدهای پایین خواهد شد، زیرا در غیر این صورت به سهولت موجب استخدام کارگران بیکار در شرکت های حاشیه ای و کم هزینه خواهد شد. این دو عبارت را در نوشته همکارانش مقایسه کنید: از یک سو، "کارفرمایان به احتمال زیاد در برابر تقاضاهای (Juniper) جونیپر



تورمی دستمزد کارگران کنونی شان مقاومت خواهند کرد، زیرا نیروی کار آموزش دیده بیشتری عرضه خواهد شد، و "از سوی دیگر، شرکت‌های با دستمزد حداقل به رقابت بیشتری برای جذب کارگران خواهند خاست، و این می‌تواند بازسازی مشاغل و بهره‌وری بشیر آنها را موجب شود". به نظر می‌رسد در یک برنامه تضمین اشتغال هم عرضه نیروی کار بیشتر (مهار دستمزدها) و هم تقاضای بیشتر برای آن (افزایش دستمزد) وجود خواهند داشت. و آنچه می‌توان گفت این است که تحقق این هر دو غیرممکن است.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل \* گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است

1. تضمین اشتغال "طرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می‌آورد: یک امکان همگانی" برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحناتی در بازار کار را استخدام می‌کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی‌خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می‌کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده‌اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می‌شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی‌دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می‌کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می‌شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی‌شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می‌دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می‌شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت‌ها را پیشنهاد می‌کنند که می‌تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی!**

**کار، رفاه، آزادی!**





## خانه کارگر و خبرگزاری ایلنا در خدمت سرکوبگران! صادق



به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی در روز گذشته، تعداد کارگران اعتصابی بازداشتی به ۲۵۰ نفر رسیده است. بازداشت گزینشی کارگران از همان روز نخست آغاز اعتصابات در شرکتهای پتروشیمی و نفتی و با هدف درهم شکستن اعتصابات شروع شد. با این وصف اما بگیر و ببندها و سرکوب و تهدیدات مختلف کارگران اعتصابی و بازداشتیهای دسته جمعی بی سابقه نتوانست کارگرانی را که با شعار مرگ بر دیکتاتور و خامنه‌ای اعتصاب سیاسی خود برای همبستگی با جنبش انقلابی شروع کردند از ادامه اعتصاب شان بازدارد.

کارگران هفت تپه، فولاد شادگان، رانندگان تانکرهای سوخت رسان در پالایشگاه آبادان، کارگران کیان تایر نیز دست به اعتصاب زدند. ماهیت همه ی اعتصابات در شرایط کنونی در واقع سیاسی و در همبستگی و پشتیبانی با جنبش انقلابی است. زمینه اعتصاب در میان کارگران و مزد و حقوق بگیران هیچگاه به اندازه امروز مهیا نبوده است. دور از انتظار نیست که با تداوم جنبش انقلابی و جنایاتی که علیه تظاهر کنندگان توسط نیروهای سرکوبگر اعمال می شود شمار کارگران و مزدبگیرانی که به اعتصابات بپیوندند بیشتر و بیشتر شوند. رژیم به غیر از بازداشت و سرکوب، همه نهادهای آشکار و پنهان خود را هم برای مقابله با اعتصابات و جلوگیری از آنها بسیج کرده است.

در این هفته سرکردگان تشکل امنیتی خانه کارگر که در این اواخر می کوشیدند ماهیت و چهره واقعی خود را لا پوشانی کنند تشکیل جلسه دادند و با سیاسی خواندن اعتصابات علیه کارگران اعتصابی موضع گیری و همان اتهامات خامنه‌ای علیه جنبش انقلابی مردم را تکرار و آمادگی خود برای مشارکت در سرکوب اعتصابات که گویا به زعم این جریان حکومتی بیگانگان در آن دست دارند اعلام کردند.

در اقدامی دیگر خبرگزاری ایلنا که از انتشار خبر اعتصابات خودداری می کند. با انجام مصاحبه هایی با رهبران قلابی تشکلهایی که ساخته و پرداخته نیروهای امنیتی هستند به طریق دیگری می کوشد کارگران را از تعدیل و اخراج شدن بترساند بلکه از پیوستن آنان به اعتصابات جلوگیری کند.

این خبرگزاری در یکی از این مصاحبه ها با یکی از این "نمایندگان" که از او با عنوان نماینده کارگران قراردادی سراسر کشور نام برد به طرز شیدانه‌ای سعی می کند کارگران قرار دادی را با این ترفند شیدانه که در واقع اکثریت قریب به اتفاق کارگران کشور هستند از اعتصاب بر حذر دارد. ایلنا در حالی از زبان



"نماینده" کارگران قراردادی سعی در حقه کردن سیاستهای ضد کارگری حکومت دارد که هیچ کارگری از وجود چنین تشکلی خبر ندارد

این نماینده قلابی در مصاحبه خود طوری صحبت کرد که انگار طرح ساماندهی کارگران قراردادی در حال تصویب است ولی کارفرمایان هستند که پیشاپیش با تعدیل نیرو می خواهند مانع تصویب آن شوند. ایلنا به نقل از او نوشت: "این فعال کارگری اضافه می کند: در هفته های گذشته بعد از تصویب جزئیات طرح ساماندهی در کمیسیون اجتماعی مجلس، اخبار نگران کننده ای از نهادها و استان های مختلف به گوش رسید. باخبر شدیم که در برخی از نهادهای مشمول طرح، وقتی پیمانکاران و کارفرمایان متوجه شدند که طرح قرار است در صحن مجلس مطرح شده و به تصویب برسد، دست به تعدیل نیرو زدند تا مجبور نشوند. آن ها را تبدیل وضعیت و رسمی کنند

نماینده قلابی با این پیام به کارگر می گوید اگر اعتصاب و اعتراض کنید، تعدیل و اخراج خواهید شد، و لابد تصویب این قانون هم به نفع شما نیست، چون مانع اخراج شما نمی شود و اگر مجلس دوسال است تصویب اش نکرده بخاطر این بوده که کارفرما ها شما را تعدیل نکنند. با این وضعی که برایتان بوجود آورده اند بسوزید و بسازید! شاید ما هم توانستیم کاری برایتان کنیم

خبرگزاری ایلنا و نهاد های امنیتی اما فهم و شعور کارگران قراردادی را ظاهرا دست کم گرفته اند و تصور کرده اند می توانند با چنین ترفندهایی کارگران قراردادی را از اعتصاب و قیام برای احقاق حق شان و رهایی از اسارت قراردادهای موقت باز دارند. غافل از این هستند که سطح مبارزات از صنفی به سیاسی رسیده است و کل سیستم اسارت را نشانه رفته است و از دست تشکلهای امنیتی و رسانه های حکومتی دیگر کاری ساخته نیست و کارکردشان به پایان رسیده است

خبرگزاری ایلنا هر چه دلش می خواهد سانسور کند و حقایق را وارونه کند، رسانه هایی متعدد و پر کشتی هستند که اخبار اعتراضات را در سراسر کشور پخش می کنند و این خبرگزاری به گرد پایشان نمی رسد

گفتنی است که طرح مذکور در اوج اعتصابات سراسری گذشته کارگران پیمانی برای شکستن اعتصاب از طریق دادن وعده کاذب حل مشکل کارگران قراردادی و پیمانی و شرکتی دو سال پیش مطرح و پس از پایان یافتن اعتصاب ده ها شرکت بایگانی شده بود اما با آغاز اعتصابات دوباره از بایگانی خارج شد تا دوباره برای شکستن اعتصابات مورد استفاده قرار بگیرد

نمایندگان واقعی کارگران همان صدها کارگری پیمانی و قراردادی هستند که بخاطر اعتصاب به زندان افتاده اند. نه کسانی که خبرگزاری ایلنا مذبحخانه تلاش دارد آنها را به جای نمایندگان واقعی و میدانی کارگران به خورد افکار عمومی بدهد. البته این تلاشها لو رفته تر از آن هستند که بتواند کسی را بفریبد

**با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!**

**مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم**



## جنبش زن، زندگی، آزادی و شعار های مطالباتی گروه های اجتماعی مختلف صادق کار



این شعار نه تنها مغایرتی با شعار های جنبش های پیش از خود ندارد بلکه در شرایط امروز معبری است برای رسیدن به شرایطی که امکان عملی کردن شعار های پیشین را مهیا می کند. این امر در مورد شعار چون نان، کار، آزادی و یا به تعبیر من کار، رفاه، آزادی هم صدق می کند. می گویم رفاه چرا که به نظر من مفهوم رفاه امروزی تر، کاملتر و دقیقتر از "نان" است. جنبش انقلابی سراسری مردم ایران به رغم همه جنایات و سرکوبگری ها رژیم همچنان پیش می تازد و هر روز که می گذرد عده بیشتری به صفوف آن می پیوندند و بر نیروی آن افزوده می شود. جنبشی که سرداران سپاه در هفته نخست شروع آن وعده "جمع کردن اش" ظرف چهار روز را می دادند و فرمانده ابله سپاه روز گذشته آن را پایان یافته خواند اینک وارد دومین ماه تولد خود شده است. جنبشی می رود تا تومار رژیم مستبد و فاسد و ناکار آمد را در هم بیچد و کار ناتمام جنبش های گذشته را به فرجام برساند و مردم را از شر رژیمی که حاصلی به غیر از افلاس اقتصادی، بیکاری، فقر، تبعیض، بی عدالتی، ویرانی و پس رفت نبوده است رها سازد و کشور را در مسیر ترقی و پیشرفت و آزادی و عدالت قرار دهد.

روشن است رژیمی که طی ۴۳ سال نتوانسته است هیچ یک از مطالبات مردم و نیازهای کشور را عملی کند و فجایع متعددی را در کشور رقم زده است و همه ی خیزشها و تلاشهای اصلاح طلبانه نتوانسته آن را در مسیر درست قرار دهد محکوم به فناست. با این وصف نمی شود منتظر ماند تا از درون فرو بریزد. باید آن را به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده فرو پاشاند تا جلوی جنایات و خسارت بیشتر را گرفت. انجام چنین کاری جز با تقویت جنبش انقلابی و سراسری کنونی و تجهیز آن به چنان برنامه ای که حداکثر همراهی و هم گامی گروه های اجتماعی مختلف به استثنای وابستگان به قدرت حاکم را تضمین کند میسر نیست. خوشبختانه اکثر گروه های موثر اجتماعی تا کنون به نحوی از انحا از جنبش انقلابی و آزادیخواهانه و مترقیانه زن، زندگی، آزادی که زنان ایران در خلق و گسترش آن نقش اساسی داشته و دارند حمایت کرده اند. این جنبش نه نافی مبارزات جنبش ها و مبارزات پیش از خود و مطالبات آنهاست، بلکه ادامه دهنده و تکامل آنهاست. مهمترین دست آورد تا کنونی جنبش به صحنه آوردن نیمی از جمعیت کشور است که از انقلاب بهمن تا کنون سابقه نداشته است. حضور و نقش زنان در این وسعت نقش تعیین کننده ای در به بار نشستن جنبش انقلابی و سمتگیری تحولات مترقیانه بعد از انقلاب خواهد داشت. آزادی و برابری زن در همه امور همیشه جزء مهمی از برنامه ها و آمالهای جنبش چپ و کارگری در جهان و ایران بوده و جنبش کارگری همواره در این راه پیشگام بوده است. همین نکات برای اینکه جنبش کارگری بطور تمام قد به این جنبش پیوندد و با تمام امکانات خود از آن پشتیبانی نماید و اندکی تردید در این راه به خود راه ندهد کافی است. شعار زن، زندگی، آزادی، حتی همه خواسته های جنبش زنان را منعکس نمی کند و





امکان ندارد که بتوان شعارهای درست کرد که همه مطالبات یک طبقه یا گروه اجتماعی معینی را در آن گنجانند. بعنوان مثال رفع تبعیض جنسیتی و برابری از اساسی ترین مطالبات همیشگی جنبش زنان است. در شعار زن، زندگی، آزادی از این خواسته هانام برده نشده، آیا بخاطر نام نبردن از آنها می شود نتیجه گرفت که در این شعار خواسته های اساسی زنان مد نظر قرار نگرفته؟ خیر به هیچ وجه. این شعار جوهری است که گروه های مختلف مطالبات خود را در آن می بینند و بهمین دلیل است که آن را از دل و جان فریاد می زنند و به یک شعار وحدت بخش تبدیل شده است. این شعار نه تنها مغایرتی با شعارهای جنبش های پیش از خود ندارد بلکه در شرایط امروز معبری است برای رسیدن به شرایطی که امکان عملی کردن شعارهای پیشین را مهیا می کند. این امر در مورد شعار چون نان، کار، آزادی و یا به تعبیر من کار، رفاه، آزادی هم صدق می کند. می گویم رفاه چرا که به نظر من مفهوم رفاه امروزی تر، کاملتر و دقیقتر از "نان" است. مردم فقط نان نمی خواهند رفاه می خواهند و طالب کاری هستند که با مزدی که بابت آن می گیرند بتوانند در رفاه باشند. نان تنها بخش مهمی از رفاه است. مسکن، فرهنگ و آموزش، بهداشت و درمان، استراحت و تفریح بخش های دیگر رفاه هستند. متأسفانه سالهاست که رفاه از مزد و حقوق بگیران گرفته شده و سطح مطالبات در حد نان و گرسنه نماندن تقلیل پیدا کرده است. بطوری که در سبد هزینه خانوار و حداقل دستمزد هم هزینه خیلی از موارد رفاهی حذف شده است



## اعتصابات کارگری در حال گسترش است، ضرورت تشکیل کمیته های اعتصاب در کارخانه ها و ادارات

اعتصابات کارگری که در همبستگی با جنبش انقلابی از مدتی پیش در پالایشگاه آبادان و تعدادی از شرکت های پتروشیمی و پروژه های آغاز شده، به تدریج در حال گسترش است. در طول هفته، کارگران در تعدادی از مراکز مهم: فولاد غدیر، تاپر سازی کیان، هفت تپه و تانکرهای سوخت رسان مایعات نفتی و گازی پالایشگاه آبادان و فولاد شادگان نیز دست به اعتصاب زده اند. شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگی ایران در اعتراض به کشتار و زندانی کردن دانش آموزان، سه روز عزای عمومی اعلام نموده و خواستار آن شده اند که در این سه روز معلمان سر کلاسهای درس نروند. نارضایتی عمومی در میان کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران بسیار گسترده است. فراروئیدن اعتصابات کارگران در حوزه های برشمرده و اعتصاب معلمان به اعتصاب عمومی نیاز جنبش انقلابی سراسری است

تجربیات تاکنونی هزاران اعتصاب صنفی کارگران، معلمان و بازنشستگان طی سالهای اخیر نشان داده است که کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران با اعتصابات صنفی در جمهوری اسلامی نتوانسته اند به مطالبات اساسی خود برسند. رژیم ابزار قدرت کارگران و زحمتکشانشان را که همانا، تشکل، اعتصاب و آزادی است، از آنان سلب و قوانین حمایتی را نیز به طرق مختلف از میان برداشته است و دستمزدهای زیر خط فقر را به زور دیکتاتوری و سرکوب بر آنان تحمیل نموده است. سطح زندگی و معیشت اکثریت بزرگ



زحمتکشان روز به روز بیشتر به زیر خط فقر سقوط کرده‌است. امروز کارگران و مزد و حقوق بگیران برای باز پس گرفتن حقوق اساسی خود نظیر حق تشکل، اعتصاب و برخورداری از کرامت انسانی راهی جز پیوستن فعال به جنبش انقلابی و گذار از جمهوری اسلامی را ندارند. جنبش «زن، زندگی، آزادی» فرصتی برای برداشتن عوامل تحمیل فقر و بی‌حقوقی برای آنان است.

حزب چپ ایران ( فدائیان خلق) از همه‌ی کارگران و مزد و حقوق بگیران بر ضرورت تشکیل کمیته‌های اعتصاب و سازماندهی اعتصاب در کارخانه ها، ادارات و موسسات مختلف و مشارکت در جنبش انقلابی و همراهی با سایر نیروهای شرکت کننده در جنبش انقلابی تاکید می کند. این جنبش برای گذار از جمهوری اسلامی خیز برداشته است. یقین بدانید که جنبش «زن، زندگی، آزادی» ظرفیت تامین خواست های شما یعنی کار، رفاه، آزادی را دارد.

## هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق) ۲۸ مهر ۱۴۰۱ - ۲۰ اکتبر ۲۰۲۲



اعتصاب و تجمع اعتراضی کارکنان آتش نشانی در مشهد



@R... · 1h · حکم  
رامین صفرنیا، وکیل دادگستری

رسول\_بداقی #

جعفر\_ابراهیمی #، محمد\_حبیبی #

26 صادر شد. بداقی بابت اجتماع وتبانی از شعبه

به چهار سال و شش ماه، تبلیغ علیه نظام

یک سال. ابراهیمی اجتماع وتبانی چهار سال

و تبلیغ یک سال. حبیبی اجتماع وتبانی سه سال

و هفت ماه و تبلیغ یک سال و همگی دو سال منع

فعالیت و عضویت در گروه‌ها و خروج از کشور

محکوم شدند. [pic.twitter.com/bd2fE7XrYx](https://pic.twitter.com/bd2fE7XrYx)

bd2fE7XrYx





شرکت وسیع معلمان در تحصن ۲ روزه اعتراضی به کشتن و بازداشتدانش آموزان.  
رهبران در زندان، معلماندر اعتراض



\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

**[sabosob@gmail.com](mailto:sabosob@gmail.com)**

\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می توانید در آدرس زیر ببینید:

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**